روزنه

دخترعلی سلیمانی:

از طرف پدرم می‌گویم که حلالم کنید

● علی سلیمانی ظهر جمعه ۲۲ مرداد در شرایطی به خانه ابدی بدرقه شد که دخترش «صبا» از همگان خواست از مراسم خاکسپاری او، شادی و امید را به یادگار ببرند؛ چراکه همواره او امیدبخش و شادی‌بخش بود. به گزارش ایسنا، علی سلیمانی، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون، با روضه‌خوانی آذری و فارسی و سخنان کوتاهی از دخترش در قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) در کنار مجید فروغی (هنرمند نمایش‌های آیینی سنتی) به خاک سپرده شد. مراسم خاکسپاری او با سخنانی از سیدجواد هاشمی آغاز شد. هاشمی از عشق پدر علی سلیمانی و علاقه خود او به حضرت علی (ع) سخن گفت. او گفت: این لحظه برای ما سخت و غم‌انگیز است؛ ولی برای علی چنین نیست. بارها دخترش صبا به من می‌گفت پدرم خیلی آرام است و آرامش او به من منتقل می‌شود. از شما هم می‌خواهم آرامش داشته باشید؛ چراکه آرامش شما به او منتقل می‌شود. بعد از اجرای یک قطعه روضه‌خوانی آذری، صبا دختر علی سلیمانی در سخنانی گفت: پدرم با اسم علی به دنیا آمد و با عشق او زیست و هم‌قدم شد تا خدا. من صدای سلامی را که پدرم به حضرت علی داد، شنیدم. شنیدم که او می‌گفت: «به خدای کعبه رستگار شدم». او خطاب به پدرش ادامه داد: امروز تن تو بذر می‌دهد. ما بدن تو را به خاک می‌سپاریم و در زمین می‌کاریم تا سبز شوی و سبز بمانی. دختر علی سلیمانی از طرف مادرش که به دلیل تأثر شدید امکان سخن‌گفتن نداشت، از همه ابراز همدردی‌هایی که در این دو روز تسلی خاطر آنان بوده، قدردانی کرد. او با اشاره به شرایط بحرانی کرونا و شمار قربانیان این ویروس اضافه کرد: شرایط جامعه دردناک است. قطعا افراد شبیه ما بی‌شمار هستند. در سالن تدفین کسان زیادی مانند من جسم پدر را به خاک سپرده‌اند؛ ولی می‌دانند که روح پدرشان در کنارشان است.

صبا سلیمانی با یادآوری اینکه پدرش همواره امیدوار و پرانرژی و شاداب بوده است، اضافه کرد: اگر در سختی‌ها بمانیم، هنر است. زندگی با همه دشواری‌ها ادامه دارد. خوب باشید و خوب بمانید. اگر می‌خواهید پدرم مثل همیشه آرام و شاد باشد، از اینجا شادی و امید را به یادگار ببرید. او همیشه به امیدبخشی ایمان داشت؛ حتی وقتی این کار سخت بود. او شعری را به یاد پدرش خواند و از جانب پدرش از همگان حلالیت خواست.

ادامه از صفحه اول

عکس جنجالی و دانش هرمنوتیک

۲- توضیحات انگلستان و روسیه مبنی بر نداشتن سوءنیت: براساس عذرخواهی دو کشور، هیچ‌گونه قصد منفی بر ضد دولت و ملت ایران در کار نبوده است. این احتمال نیز با مشکلات خاص خود مواجه است: چرا این اتفاق باید بلافاصله بعد از شروع‌به‌کار دیپلمات جدید انگلیس، آن هم با ابتکار و دعوت سفارت روسیه رخ دهد؟ معنای صندلی خالی آمریکا چیست (درحالی‌که می‌توانستند فقط از دو صندلی استفاده کنند)؟ این عکس با شرایط فعلی ایران ارتباط دارد؟ به‌هرحال براساس اصول هرمنوتیکی، این عکس یک نماد است و می‌تواند حاوی یک یا چند پیام باشد.

۳- اشاره به تحولات اخیر روابط بین‌الملل: احتمال دیگر آن است که این عکس حاوی پیام خاصی -نه ضرورتا علیه دولت و ملت ایران- است. این احتمال چند مسئله را به‌عنوان پیش‌فرض می‌پذیرد: اولا کشورها پس از یک دوره تحولات عمیق (مثل انقلاب) پاسخ‌گوی اعمال دولت‌های قبل نیستند. پس همان‌گونه که ایران اسلامی مسئول اعمال شاه نیست، روسیه امروز نیز با روسیه تزاری تفاوت ماهوی دارد. ثانیا در روابط بین‌الملل امروز خط‌کشی شرق و غرب وجود ندارد و اساسا این خط‌کشی به دوران جنگ سرد مربوط می‌شود. ثالثا در این دوران، اصالت با منافع ملی است. یکی از دیپلمات‌های روسیه به وزارت خارجه ما امر سنگینی را متذکر شده بود: «روسیه همواره براساس منافع ملی خود عمل می‌کند، نه براساس اهداف ایدئولوژیک!». این جمله هرچند ممکن است در رشته روابط بین‌الملل از امور بدیهی تلقی شود، ولی برای ما استلزامات خاص خود را دارد. معنای این سخن آن است که روسیه ممکن است در کنار ایران و محور مقاومت باشد و اگر منافع ملی این کشور اقتضا کند با اسرائیل همکاری می‌کند. به همین منوال، روسیه و انگلیس هم دو کشور رقیب هستند، هم رفیق قافله! نتیجه آنکه این دو قدرت براساس نظم بازی‌گونه در روابط بین‌الملل و براساس سیاست قدرت و محوریت منافع ملی، این عکس را منتشر کرده‌اند، ولی کسانی که هنوز در دوگانه استعمارگر/ مستعمره، شرق/ غرب و مانند آن خود را محصور کرده‌اند، چه بسا برداشتی دیگر داشته باشند؛ برداشتی که براساس حس مشترک ایرانی چندان هم بلاوجه نیست. پس نیت مؤلف در اینجا -اگر کشف‌شدنی باشد- تطابق چندانی با دریافت و فهم مخاطب نداشته است.

گفت‌وگو با دکتر گیتا اصلانی درباره پخش جهانی و مرمت فیلم «شطرنج باد»

فیلمی فراتر از زمان خود

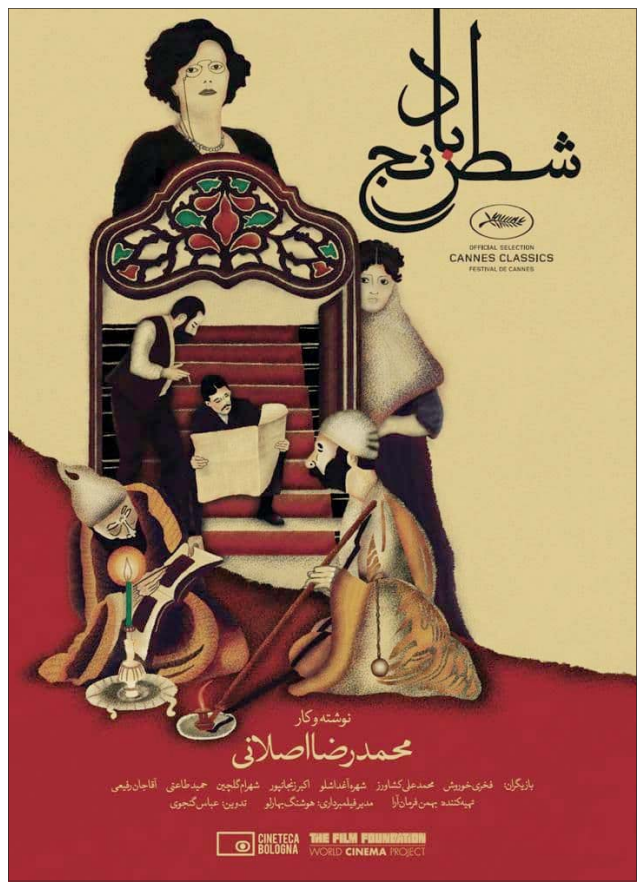

فرانک آرتا

دکتر گیتا اصلانی، استاد و محقق تاریخ، فلسفه و زیباشناسی سینمای دانشگاه پاریس، متخصص سینمای مؤلف خاورمیانه و سینمای آوانگارد ۱۹۱۵-۱۹۳۰ اروپایی به‌عنوان نماینده تام‌الاختیار محمدرضا اصلانی، خالق اثر متفاوت «شطرنج باد» درباره روند پخش جهانی و کشف دوباره این فیلم مهم پس از سال‌ها با ما به گفت‌وگو نشست. بدون شک فیلم «شطرنج باد» در زمان ساخته‌شدنش مورد سوءتفاهم قرار گرفت، دیده نشد و متأسفانه در تاریخ سینمای ایران گم شد! اما دست تقدیر و توجه دقیق یک منتقد فرصتی فراهم کرد تا بعد از قریب ۳۰ سال به‌درستی نگاه‌ها به این فیلم جلب شود. قطعا پخش فیلم در سطح جهانی باعث می‌شود به تاریخ سینمای ایران از نو نگریسته شود.

بعد از گذشت سال‌ها فیلم «شطرنج باد» در سطح جشنواره‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. روند نمایش بین‌المللی فیلم چگونه بود؟

تا سال ۲۰۱۳ گفته می‌شد که نسخه اصلی فیلم گم شده! فیلم از بعد از ۱۳۷۰ با کیفیت خیلی بد تصویر و صدا و با صحنه‌های حذف‌شده توسط عده‌ای دیده شده است. آقای سعید عقیقی، منتقد سینما، ازجمله کسانی است که همین نسخه را دیده بود و در سال ۱۳۸۰ مقاله‌ای درباره فیلم نوشتند و متذکر شدند که این فیلم جزء یکی از فیلم‌های مؤلف سینمای ایران است که متأسفانه در گذر زمان فراموش شده! در آن مقاله به‌صراحت مطرح شد که «شطرنج باد» جزء فیلم‌های مهم سینمای مؤلف ایران است.

اصلا ماجرای گم‌شدن و بعد پیداشدن فیلم چیست؟

به‌طورکلی مسئله‌ای که در گم‌شدن فیلم‌ها محرز است، این است که به دلیل بی‌توجهی صاحبان فیلم‌ها و سینماها، نگاتیوهای فیلم را لزوما حفظ نمی‌کردند و حتی گاهی در پوزتیوهای فیلم دست می‌بردند و فیلم را براساس خواسته خودشان تغییر می‌دادند تا شاید بتوانند به فیلم سروشکل تجاری بدهند و آن را بفروشند! این اتفاق برای فیلم‌های «شطرنج باد»، «چشمه» آربی آوانسیان و فیلم‌های آقای فریدون رهنما هم افتاده است. آن‌موقع آقای فرمان‌آرا سعی کردند فیلم را بفروشند تا در سینماها پخش کنند که نتوانستند و به درخواست صاحبان سینما فیلم را کوتاه کردند و تمام صحنه‌های رختشویی را حذف کردند و پوزتیو جدید از فیلم چاپ کردند و بعد از انقلاب از روی همین پوزتیوها، کپی‌های یوماتیک کشیدند و درنهایت VHS آن در بازارسیاه برای مدتی دست‌به‌دست می‌چرخید!

از سال ۱۳۸۵ در تحقیقات دانشگاهی‌ام متوجه شدم چند پوزتیو این فیلم در چند مؤسسه سینمایی در ایران وجود دارد اما با صحنه‌های حذف‌شده و درنتیجه این پوزتیوهای تکه‌وپاره به درد ترمیم فیلم نمی‌خوردند. تا اینکه متوجه شدم نگاتیوهای فیلم در لابراتوار بدیع نگهداری شده بودند. ولی متأسفانه مدتی بعد از ورود دیجیتال به سینمای ایران، شرکت بدیع ورشکست می‌شود و مسئولان این شرکت تمام این نگاتیوها را دور می‌ریزند. برادر من امین اصلانی برای کرایه وسایل فیلم خودشان که فیلم تاریخی بوده به یک سمساری مراجعه می‌کند و در آنجا اتفاقی این نگاتیوها را پیدا می‌کند: یعنی ۱۱ حلقه فیلم با صدای کامل که فقط در حلقه آخر چند خط‌خوردگی وجود داشت، وگرنه بقیه حلقه‌ها کاملا دست‌نخورده بودند. اما به‌مرورزمان تمام رنگشان از بین رفته بود و به همین دلیل بعد از اسکن، تمام فیلم آبی بود که با اتالوناژ زیر نظر مستقیم آقای اصلانی توانستیم رنگ‌های اصلی را دربیاوریم.

ماجرای فیلم «شطرنج باد» چه بود؟

ماجرا این بود که وقتی فیلم در جشنواره جهانی تهران به نمایش درآمد، با شرایط نامناسبی پخش شد و کسی نتوانست فیلم را با نور یا کیفیت درست ببیند. متأسفانه هیچ‌کس این فیلم را با کیفیت درست و کامل ندید! بنابراین بدون اینکه به خودشان زحمت بدهند و فیلم را کامل ببینند به فیلم حمله کردند و گفتند فیلم‌نامه مشکل دارد و قابل‌فهم نیست! طبیعی است وقتی نیمی از فیلم حذف شود دیگر قابل‌فهم نخواهد بود.

اما پرسش این است که چرا روند مرمت فیلم این‌قدر طول کشید؟

آقای محمدرضا اصلانی نسخه فیلم را برای من به پاریس فرستادند و زمانی که من در حال مکاتباتی با مؤسسات اروپایی بودم و داشتم تقاضای ترمیم فیلم را پیگیری می‌کردم، چند نفر از شاگردان آقای اصلانی بدون آنکه شناختی از فیلم و از سیستم کاری کشورهای غربی داشته باشند، بدون هماهنگی درست، برای ترمیم فیلم با سینماتک‌ها یا جاهای دیگر مکاتبه کردند. این افراد می‌خواستند کمک کنند اما آشنایی با این کار نداشتند. مسئله این است که اگر نامه‌ای که درست نوشته نشده است، به مرکزی داده شود، ارزش کار را پایین می‌آورد. کسی که متخصص کاری نیست و خودش را وسط می‌اندازد تا خود را مطرح کند، درواقع مثل سدی جلوی پا می‌شود. اصولا غرور شخصی را باید در مقابل مسئله نجات میراث فرهنگی کنار گذاشت و کار را به کاردان سپرد.

خلاصه به خاطر این دلایل مجبور شدم کمی صبر کنم تا زمان نامه‌های اشتباهی که از طرف افراد مختلف فرستاده شده، بگذرد و اسم فیلم از فهرست درخواست‌ها خارج شود. این مسئله و این افراد کار من را عقب انداختند! برای مسائل حقوقی فیلم هم نیاز به زمان بود.

خب وقتی نامه‌های بی‌ربط که بدون هماهنگی با شما به‌عنوان نماینده قانونی فیلم برای مراکز مختلف ارسال شد، چرا بلافاصله اطلاع‌رسانی نکردید؟

همه این کارها انجام شد ولی زمان برد تا بالاخره سال ۱۳۹۷ یکی از شاگردان آقای اصلانی، آقای میلانی، آقای احسان خوشبخت را به من معرفی کردند و به لطف آقای خوشبخت توانستم با مسئول بخش ترمیم سینماتک بولونیا وارد بحث و گفت‌وگو شوم و درخواست اصلی را بدهم. مسئول سینماتک بولونیا فیلم را به مراکزی که بودجه ترمیم را تأمین می‌کنند، معرفی کردند؛ خصوصا به مرکز مارتین اسکورسیزی، فیلم فاندیشن (Film Foundation) که من قبل‌تر با آنها هم در مذاکره بودم. این مذاکرات بالاخره نتیجه داد و آنها وقتی «شطرنج باد» را دیدند به‌شدت جذب فیلم و متوجه ارزش فیلم و جایگاه تاریخی آن در سینمای ایران شدند. بعد از چندین ماه بحث و گفت‌وگو درباره سبک و ارزش هنری فیلم و مسائل حقوقی فیلم درنهایت، فیلم فاندیشن (FilmFoundation) و چینه‌تکا (یا همان سینماتک) بولونیا (Cineteca di Bologna) در ایتالیا و مرکز ایماژ روتروه (Image Retrouvée) در پاریس هزینه ترمیم تکنیکی فیلم را تقبل کردند.

این شانس بزرگی بود که آنها ترمیم فیلم را به عهده گرفتند، زیرا چینه‌تکای بولونیا یکی از مهم‌ترین و پیشرفته‌ترین مراکز ترمیم فیلم در دنیاست و امکاناتی که دارند و افرادی که آنجا کار می‌کنند از بهترین‌ها محسوب می‌شوند. فیلم «خشت و آینه» ابراهیم گلستان هم به کمک این سازمان ترمیم شده است. از خصوصیات ترمیم «شطرنج باد» این بود که این فیلم رنگی است و بقیه فیلم‌های ایرانی ترمیم‌شده در این مرکز سیاه و سفید بودند و رنگی‌بودن این فیلم به زمان و دقت و کار بیشتری نیاز داشت و به‌خصوص که این فیلم یک نمونه از فیلم‌های ارزشمند رنگی ایرانی در تاریخ سینمای ایران است.

تازه با آن کیفیت عالی فیلم‌برداری.

بله. رنگ و کیفیت فیلم‌برداری این فیلم خارق‌العاده است و کیفیت کاری سینمای ایران در آن دوران را نشان می‌دهد. دکوپاژ، رنگ، کمپوزیسیون و نورپردازی این فیلم مبحث زیبایی‌شناختی تصویر فیلم رنگی در سینمای ایران قبل از انقلاب را مطرح کرد. چون قبل از ترمیم «شطرنج باد» همیشه درباره فیلم‌های سیاه و سفید صحبت شده بود. از آنجایی که هنوز ورسیون ترمیم شده با کیفیت عالی فیلم‌های رنگی قبل از انقلاب کسانی مثل کیارستمی یا کیمیاوی نمایش داده نشده بودند -هنوز فیلم «گزارش» بیرون نیامده بود- و در نتیجه مسئله رنگ در سینمای ایران این‌قدر مطرح نشده بود!

با این رویکرد، تحلیل و نگاه‌شان به تاریخ سینمای ایران چگونه بود؟

از نظر زیبایی‌شناسی و فهم تصویری، سینمای ایران را سینمایی مهم و قابل ارجاع می‌دانند. شاهکارهای سینمای ایران، زبان و بیان سینمایی خاص خودش را دارد. مشکل این است که تاریخ‌نگاران ایران و یک‌سری از تاریخ‌نگاران اروپایی و آمریکایی خیلی اصرار دارند فقط درباره سینمای اجتماعی بنویسند و گاه این سبک اجتماعی را به عنوان تنها سینمای مؤلف یا هنری ایران معرفی می‌کنند.

دقیقا منظورتان چیست؟

برای مثال فیلم‌های مسعود کیمیایی و داریوش مهرجویی سینمای اجتماعی است با دو بیان و سبک متفاوت. دغدغه اصلی این دو فیلم‌ساز موضوع اجتماعی فیلم است و مسئله هنر در سینما و زیباشناسی در جایگاه دوم قرار می‌گیرد. نمی‌گویم سینمای بدی است اما سینمایی نیست که نماینده سینمای مؤلف و هنری ایران باشد؛ این سینما را نمی‌توان در کنار سینمای آربی آوانسیان، محمدرضا اصلانی، پروز کیمیاوی و فریدون رهنما که دغدغه اصلی‌شان فلسفه و زیباشناسی زبان سینمایی‌شان است، بگذاریم. به همین دلیل استفاده‌ای که امروزه از اصطلاح «موج نو» برای آن نوع سینمای ایرانی می‌شود، مفهوم ندارد!

چرا سینمای «موج» نو مفهوم ندارد؟ به هر حالت مجموعه‌ای از فیلم‌هایی است که توسط فیلم‌سازان با رویکرد متفاوت ساخته شده‌اند که در زمان خودشان جلوتر از زمانه بودند؟

نه تمام فیلم‌هایی که در تاریخ سینما به عنوان موج نو مطرح شده‌اند، بعضی از این فیلم‌ها نسبت به فیلم‌های ایرانی و خارجی زمان خودشان بسیار مرتجع هستند.

منظورم از بی‌مفهومی این اصطلاح موج نو این است که کسانی که سینمای ایران را معرفی می‌کنند تمایل به این دارند که همه فیلم‌ها را در یک قالب جای دهند و اصطلاح موج نو در سینمای ایران را بی‌ارزش و بی‌مفهوم کرده‌اند.

باوجود اینکه آقای اصلانی مستقیم در روند مرمت حضور نداشتند، تصحیح رنگ چگونه اتفاق افتاد؟

این اتفاق در زمان کرونا رخ داد که آقای اصلانی نمی‌توانستند از ایران خارج شوند تا خودشان برای ترمیم رنگ حضور داشته باشند. در نتیجه رنگ‌های هر فریم را در مرکز ایماژ روتروه تنظیم می‌کردیم و من تک‌تک برای آقای اصلانی می‌فرستادم که خودش یک ماهی طول کشید. برای اینکه خطای رنگی پیش نیاید من در پاریس و آقای اصلانی در تهران از یک نوع مانیتور استفاده کردیم تا رنگ را مثل هم ببینیم. و این‌چنین آقای اصلانی تک‌تک صحنه‌ها و فریم‌ها را مشخص کردند که باید مثلا فلان پلان بیشتر آبی یا قرمز شود... با این کار در مدت کمتر از یک ماه ترمیم رنگ (اتلوناژ) انجام شد. دو ساعت آخر کار که قرار بود کار تحویل داده شود آقای هوشنگ بهارلو، فیلم‌بردار فیلم، تشریف آوردند که ببینند رنگ‌ها درست همانی است که موقع فیلم‌برداری آقای اصلانی خواسته بودند. آقای بهارلو کار را تأیید کردند و فقط صحنه رقاص‌ها را که من با نور سر ظهر تنظیم کرده بودم، گفتند با نور حدود چهار و پنج عصر تنظیم کنیم.

درست است که برای فیلم‌برداری فیلم از لنز دوربین فیلم «بری لیندون» استفاده شده است؟

نخیر این‌طور نیست و این حرف عجیب هم مدت‌هاست که تکرار می‌شود: در مصاحبه‌ای با آقای بهمن فرمان‌آرا خواندم که گفته‌اند از دوربین فیلم «بری لیندون» کوبریک برای فیلم‌برداری فیلم استفاده شده. حرف بسیار عجیبی است به این دلیل که لنز دوربین فیلم‌برداری «بری لیندون» از طریق ناسا تولید شده و ناسا در آن زمان فقط سه نمونه از این لنز ساخته بود که دوتای آن در آمریکا و یکی هم در سینماتک فرانسه نگهداری می‌شود و کسی دسترسی و حق کپی‌اش را ندارد. از آقای بهارلو پرسیدم که از چه لنزی استفاده کرده‌اند و گفتند که به خاطر درخواست نورهای کم آقای اصلانی سفارش دوربین زایس را که تازه به بازار آمده بود، دادند. این لنز زایس همان سالی ساخته شده بود که لنز ناسا برای «بری لیندون» را استفاده کردند. به گفته آقای بهارلو این لنز زایس به قدرت آن لنز ناسا نبود ولی قدرت کافی برای نورهایی را که در «شطرنج باد» استفاده شده بود، داشت. آن دوره فیلم‌سازان جرئت نمی‌کردند در نور پایین کار کنند و درواقع می‌شود گفت در سال ۷۵-۱۹۷۴ «شطرنج باد» و «بری لیندون» تنها دو فیلمی بودند که با اختلاف هفت هشت ماه نور پایین و نور شمع کار شدند.

به هر حال شرایط کار در آن دوره خیلی شرایط راحتی نبوده و آقای اصلانی باید مبارزه می‌کرد تا هرکس کاری را که ایشان می‌خواسته، انجام دهد و سال‌های سال هنوز کسانی بودند که متوجه ارزش هنری این فیلم نشده بودند.

ظاهرا سرنوشت فیلم این بوده که با مبارزه خود را در تاریخ به اثبات برساند!

البته جالب است که در این مدت با مصاحبه‌هایی که با تمام اکثر اعضای گروه داشتم، متوجه شدم که بسیاری از عوامل فیلم به‌خصوص خانم‌ها فخری خوروش و حوری اعتصام و مرحوم آقای کشاورز خیلی همراه بودند با آنچه آقای اصلانی می‌خواستند و متوجه بودند که نورپردازی، کمپوزیسیون تصویر و نوع بازی که ارائه می‌کنند، کاملا در سینمای ایران متفاوت است و ارزشی مثل ارزش سینمای سال‌های ۶۰-۷۰ اروپا را دارد.

مثل سینمای پازولینی....

بله، مثل سینمای پازولینی و ویسکونتی. آنها متوجه شدند که «شطرنج باد» نوع دیگری از سینماست که در قالب سینمای مبتذل رایج در زمان شاه نمی‌گنجد. خیلی‌ها آن موقع متوجه این موضوع نشدند.

حتی خانم آغداشلو هم متوجه نگاه متفاوت آقای اصلانی نشد؟

متأسفانه هنوز فرصت صحبت با ایشان فراهم نشده است. بسیاری از منتقدان ایراد می‌گرفتند که صحنه‌های رختشورها را اصلا متوجه نشده‌اند! احتمالا هیچ وقت فیلم را کامل و پرده‌ها را پشت سر هم به ترتیب ندیده بودند؛ چون در نمایش اولیه فیلم، پرده‌ها پس و پیش پخش شده بود. این مسئله برای نمایش برای ژوری هم اتفاق افتاده بود و موجب شد که فیلم از بخش مسابقه حذف شود.

«شطرنج باد» فیلمی است که از اول تا آخر باید با دقت و چند بار تماشا کرد تا متوجه تمام جزئیات شد. برای من جالب است که در ایران طومار یک فیلم را با این جمله «ما که نفهمیدیم چیست» به‌راحتی می‌پیچند! من همیشه از خودم سؤال می‌کنم چطور است که اکثر نقدهای ایرانی برای ایرادگرفتن از کار کسی، این بهانه را می‌آورند که کار را نفهمیده‌اند! اغلب نقدهای سینمای ایران بر پایه این سؤال نوشته می‌شود «من که نفهمیدم، پس اصلا فیلم برای هیچ‌کس قابل فهم نبود، در نتیجه فیلم بد است»! این نشان‌دهنده آن است که ما دچار خودبزرگ‌بینی هستیم و به خود اجازه می‌دهیم درباره همه چیز اظهار نظر کنیم حتی وقتی نمی‌فهمیم!

در تمام نقدهایی که قبل از انقلاب درباره این فیلم نوشته شد، این ایراد به چشم می‌خورد. بعد از انقلاب هم که بدتر، حتی نقدی نوشته شد که فیلم را با نور «دیسکوتک» مقایسه می‌کند و با افتخار می‌گوید ما که فیلم را نفهمیدیم!

حتما حاصل تراوشات ذهنی خود نویسنده است.

دقیقا. بالاخره مرمت «شطرنج باد» جولای ۲۰۲۰ پایان یافت و آگوست ۲۰۲۰ در جشنواره سینمایی سینما ریترواتو (Il cinema ritrovato) برای اولین‌بار پخش شد.

ماجرای کرونا باعث شد که آقای اصلانی نتوانستند رأسا در این فستیوال حضور یابند و من به‌عنوان فرزند ایشان رفتم. حس عجیبی بود؛ چون از یک طرف باید زندگی پدرم و چگونگی ماجراهای فیلم را تعریف می‌کردم و از سوی دیگر به مرحمت نمایش این فیلم این فرصت در اروپا پیش آمده بود که تاریخ سینمای ایران را به‌عنوان متخصص سینمای خاورمیانه، با نگاه دیگری توضیح بدهم.

«شطرنج باد» در دو سانس در سالن سینمای جشنواره بولونیا به نمایش درآمد. در سانس نخست آقای اصلانی متنی به من دادند که قرائت کردم. در متن عنوان شد که خوشحال هستند مرمت فیلم انجام شده و از متولیان کار یعنی «سینماتک بولونیا» و «فیلم فاندیشن» تشکر کردند. تماشاگران این فستیوال اکثرا در سینماتک‌های شهرهای اروپایی کار می‌کنند و بیشتر جزء متخصصان سینما هستند و در نتیجه «شطرنج باد» در حضور این‌گونه تماشاچیان فیلم‌شناس به نمایش درآمد. سالن ۳۰۰ نفره بود؛ اما به دلیل کرونا اجازه نداشتیم کنار هم بنشینیم و بین هر نفر باید سه صندلی خالی می‌بود و سالن پر شد. به خاطر علاقه‌ای که به سینمای ایران دارند و اتفاقاتی که چند دهه اخیر در سینمای ایران افتاده بود، برایشان جذاب بود فیلم را ببینند. علاوه‌براین مطلبم در دفترچه این فستیوال چاپ شده که در آن توضیح داده بودم که حلقه‌های فیلم چطور پیدا شدند که این هم باعث جذب مخاطب شده بود.

بعد از نمایش اول فیلم سؤالات زیادی از من پرسیده شد؛ به‌همین‌دلیل از دو مسئول این فستیوال آقای خوشبخت و خانم چینچیارلی (که در ضمن مسئول بخش ترمیم فیلم در سینماتک بولونیا هستند)، خواهش کردم که بعد جلسه دوم نمایش به من وقت دهند به سؤالات پاسخ دهم و آنها هم قبول کردند.

عکس‌العمل تماشاچیان خیلی مثبت بود و همه گفتند که با یک فیلم خارق‌العاده ایرانی مواجه شدند که از نظر زیبایی‌شناسی، کارگردانی، سناریو، رنگ و نور بی‌نظیر است و فیلم ارزشمندی در تاریخ سینماست. چند نفر از منتقدان نوشته بودند که داستان شکسپیری است. که البته مطمئنا هم شکسپیری است؛ چون همیشه آقای اصلانی می‌گویند که سناریوی این فیلم به‌نوعی داستان مکبث است. البته من شخصا فکر می‌کنم به جز مکبث، به گونه‌ای داستان هملت هم هست. فقط به جای اینکه هملت مرد باشد، زن است و در نقش «خانم کوچک» شخصیت اصلی فیلم ظاهر می‌شود.

بسیاری از منتقدان مسحور سکانس آخر فیلم شده بودند و معتقد بودند که مفهوم فلسفی فیلم روی همین سکانس است. که البته بسیاری از منتقدان ایرانی قبل از انقلاب به همین سکانس توپیده بودند.

دقیقا مشکل‌شان با سکانس آخر چیست؟

عدم درک از مفهوم الگوریک این سکانس. در فیلم «ادیپ شهریار» پازولینی که مطمئنا همه دیده‌اند، دقیقا همین نگاه وجود دارد. در آخرین سکانس «ادیپ شاه» به شهر امروز رم می‌آید. چطور است که آنجا این منتقدان ایرانی مشکل ندارند؟ در «شطرنج باد» همین نکته زمان و مکان مطرح است و این همان مسئله‌ای است که در فلسفه سهروردی به‌عنوان عالم مثال از آن صحبت شده است. در واقع تمام داستان که در این خانه مخوف می‌گذرد، حکم عالم مثال را دارد که انعکاسی است از دنیای امروز ما.

یک خانم منتقد ترک ساکن ایتالیا بود. بسیاری از نکات ریز فیلم را دقیقا متوجه شده بودند و گفتند این فیلم خیلی برای‌شان جالب بوده؛ چون انگار تاریخ مملکت خودشان را دوره کرده‌اند. همان‌طور که می‌دانید تاریخ ترکیه با ایران از اول قرن بیستم تا زمان انقلاب ایران خیلی شباهت دارد. درواقع مسئله مدرنیته و سنت در ایران و ترکیه مثل هم حرکت کرده.

ادامه در صفحه ۷

خبر

درخواست تشکل های صنفی کارگردانان و بازیگران درباره واکسن کرونا

● انجمن بازیگران و کانون کارگردانان سینمای ایران در بیانیه‌های جداگانه‌ای خواستار تسریع در روند واکسیناسیون شدند.

در بیانیه انجمن بازیگران سینمای ایران با انتقاد از روند موجود درباره وضعیت کرونا، این تشکل خواهان «اعلام برنامه‌ای فوری و مشخص و واقعی برای ورود واکسن و برنامه‌ای دقیق در مورد استفاده از امکانات لازم پزشکی برای مقابله با این بیماری مرگبار و درمان درد و رنج و مصائب مردم» شد.

کانون کارگردانان سینمای ایران هم ضایعه دردناک درگذشت علی سلیمانی، بازیگر و کارگردان سینما را به خانواده آن مرحوم و اهالی سینما و تئاتر و تلویزیون تسلیت گفت و در بخشی از بیانیه‌اش نوشت: «کانون کارگردانان سینمای ایران، پیش از این تقاضای واکسیناسیون اهالی سینما را داشت که در دوران سخت کرونا، مشغول به کار در فیلم سینمایی و سریال‌های نمایش خانگی برای مردم هستند، ولی هم‌اکنون نگران همه مردم ایران است و امیدوار است با واکسیناسیون فوری مردم با هر واکسنی که می‌توان وارد و یا تولید کرد و با کنترل این شرایط وخیم و دردناک، جلوی این روند را بگیرند».

ادامه از صفحه اول

پیشنهادی به آقای رئیس‌جمهور: اجرای کشاورزی سازگار با اقلیم

تغییر اقلیم تنگدستی آبی کشاورزی را افزایش داده و از بهره‌وری تولید کاسته و می‌تواند مراحل کاشت و زمان کاشت یک گیاه را جابه‌جا کند. افزایش سیلاب، افزایش تبخیر و تعرق، افزایش دمای متوسط کشور، کاهش ۲۰ درصدی میزان بارش و تغییرهای الگوهای اقلیمی به ما هشدار می‌دهند که بحران آبی ایران در آینده جدی‌تر خواهد شد. به‌طور خلاصه تغییر اقلیم می‌تواند کشاورزی شکننده و بحران‌زده ایران را بیش از پیش دستخوش آسیب کند.

چهارم. کشاورزی ما برای حفاظت از خود و معیشت کشاورزان در مقابل تأثیرات نوسان‌ها و تغییرهای اقلیمی نیازمند اعمال اصلاحات سازگارانه است. سازگاری شامل مجموعه اقداماتی است که انسان در پاسخ به طبیعت با پیش‌بینی تغییرات اقلیمی انجام می‌دهد تا تأثیرات زیان‌بار آن را کم کند و هم‌زمان از فرصت‌های ایجادشده به دلیل تغییرات اقلیمی سود ببرد. کشاورزی و کشاورزان ایران باید با اقلیم ایران سازگار شوند و بیشترین انعطاف‌پذیری نسبت به تغییرات اقلیمی را داشته باشند. کشاورزی سازگار به اقلیم یک رویکرد یکپارچه با هدف حفظ امنیت غذایی و کاهش آسیب‌پذیری کشاورزی از تغییر اقلیم است.

پنجم. تحقق کشاورزی سازگار به اقلیم نیازمند اعمال تغییرات چشمگیر در سیاست‌ها و سازوکارهای ملی و محلی است. اجرای درست و صحیح سیاست‌های سازگار به اقلیم مانند ۱- راه‌اندازی شبکه آموزش ویژه کشاورزان و ارتقای دانش آنها در مورد نحوه سازگاری با نوسانات اقلیمی، ۲- اجرای الگوی کشت متناسب با توان محیطی هر منطقه، ۳- تقویت و توسعه کشت دیم (کشاورزی مبتنی بر آب‌های تجدیدناپذیر)، ۴- توسعه کشت فراسرزمینی برای محصولات پُرآب مصرف و استراتژیک، ۵- تدوین سیاست‌های حمایتی و تشویقی با هدف کشت گونه‌های مقاوم به خشکی توسط کشاورزان، ۶- تعیین قیمت مناسب و تضمین خرید محصولات کم آب‌بر توسط دولت، ۷- احداث صنایع تبدیلی برای محصولات سازگار با اقلیم در منطقه، ۸- توسعه فناوری‌های ذخیره و صرفه‌جویی در مصرف آب (قطره‌ای، بارانی و...)، ۹- تقویت بیمه محصولات کشاورزی براساس شاخص آب‌وهوایی، ۱۰- پرداخت یارانه برای کشت محصولات سازگارتر برای جبران تفاوت درآمد کشاورزان، ۱۱- استفاده از آب‌های خاکستری و بازچرخانی آب در مصارف کشاورزی، ۱۲- توسعه کشت گلخانه‌ای، ۱۳- تحقیق و ترویج فعالیت‌های اصلاحی برای تولید ارقام منطبق با اقلیم ایران و ۱۴- توسعه احداث باغ‌های مدرن با توجه به شرایط اقلیمی هر منطقه و... می‌تواند از کاهش عملکرد محصول و خطرات زیست‌محیطی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از تغییر اقلیم بر کشاورزی ایران جلوگیری کند.

ششم. امروز بیش‌ازپیش نیازمند تغییر در برنامه‌ریزی کلان مدیریت کشاورزی هستیم. در صورت عدم تغییر بینش و سیاست‌گذاری در بخش کشاورزی و ابعاد اقتصادی و اجتماعی وابسته به آن، سامانه‌های تولیدی در آینده نزدیک قادر به تأمین امنیت غذایی ایران نخواهند بود. برنامه‌ریزی برای سازگارکردن کشاورزی و کشاورزان با تغییر اقلیم و تغییر تدریجی روش تولید در بخش کشاورزی براساس آمایش سرزمین می‌تواند ضمن تأمین امنیت غذایی کشور، در مدیریت بحران آب ایران مؤثر باشد. برای نجات کشاورزی امروز باید به سمت کشاورزی سازگار با اقلیم و کشاورزی طبیعت‌مدار حرکت کنیم. شایسته است رئیس‌جمهور محترم، جناب آقای ابراهیم رئیسی و دولت سیزدهم برای سازگاری کشاورزی با اقلیم ایران برنامه‌ریزی علمی و مدونی داشته باشند.

*پژوهشگر کشاورزی و اقلیم